

## من و نگهدار و کودتا و ملکه

### عمر مریوانی

من و نگهدار و کودتا و ملکه

دیشب بسیاری از ایرانی ها در انگلیس منتظر دیدن یک برنامه « مستند » در کانال چهار تلویزیون بودند من که بیشتر به تماشای فیلم های راز بقا یا فیلم های بی خاصیت ترقه بازی و سترن بیشتر علاقه دارم تا دیدن این نوع مستند سازی ها، بالاخره زیر فشار تهدید به طلاق زنم مثل خیلی های دیگر ، پای تلویزیون نشستم. اسم برنامه خیلی هیجان انگیز بود: « ملکه و کودتا ». زنم گفت از طریق عوامل نفوذی خودمان در کانال چهار فهمیده ایم که یکی دوتا از شخصیت های مهمی که شاید شناسایی در این برنامه شرکت دارند و باید خیلی هیجان انگیز باشد. با همه بی اطلاعی خودم میدانستم ، یا بهتر بگویم که شنیده بودم که ملکه و دم و دستگاه سلطنت بیشتر شبیه یک موزه متحرک و نمایشی مثل والت دیسنی است تا عامل فعال سیاسی . حالا چرا اسمش را گذاشته بودند « ملکه و کودتا » برای نامفهوم بود. وقتی « متخصص » ها شروع به توضیحات در کشفیات خود کردند، دیدم ماجرا به نقطه های هیجانی خود نزدیک می شود. تمام مطلب روی این متمرکز بود که از کشتی « ملکه الیزابت » تلگرافی به سفارت آمریکا زده شده است. در آن هنگام سفارت انگلیس در تهران بسته بود و سفیر آمریکا متن تلگراف را پیش علاء میبرد که شاه را تشویق به ماندن بکنند که در نرود. تلگرامی که از کشتی « ملکه الیزابت » زده شده بود ، وانمود می کند که خود ملکه انگلیس شخصا به شاه تلگرام زده است و مشعوف و دلگرم از آن فعلا دست از فرار بر میدارد. میدانستم که ملکه انگلیس مستقیما در هیچ توطئه ای شرکت نمی کند ، یعنی اجازه چنین مداخله ای را نمی دهند . بلکه اول توطئه را می کنند و بعدا از ملکه دعوت می کنند که به افتخار پیروزی توطئه مهمانی بدهد. جا به جا شدن اسم کشتی با نام خود ملکه همه را گیج کرده بود. ولی متخصص ها کم کم پرده از راز ها را کنار زدند. گویا دولت فخمه انگلیس ، که هرگز در امور داخلی هیچ کشوری مداخله نمی کند ، میخواست بنام شاه همیشه فقید ، علیه دولت دکتر مصدق دست به کودتا بزند و شاه دلیر میخواست هرطور شده در برود و راضی کردنش برای ماندن بسیار سخت بود و صبر ایوب را می طلبید . من از اول باز نم شرط کرده بودم که اگر آدم های جدی برای چنین موضوعی مثل عباس میلانی یا اروند ابراهیمیان یا نوه دکتر مصدق یعنی دکتر متین دفتری و یا محمد امینی را می آوردند ، فوری تلویزیون را خواهم بست ، چون بعدا آدم شب خوابش نمی برد و تا صبح همه اش شلنگ و تخته می اندازد. زنم گفت تو چقدر بد بینی . کمی حوصله داشته باش ! خوشبختانه برنامه طبق انتظار زنم ، یعنی در همان مسیر فیلم های مورد علاقه من پیش رفت برای اینکه من میخواستم برنامه ای برای سرگرمی شبیه کارتون یا سترن را به بینم ، یا سخنان متخصصانی مثل حجت الاسلام تبریزیان که حرف های روز را می زند بشنوم . به من چه که هفتاد سال قبل کی علیه کی کودتا کرده . برنامه با متخصص های انگلیسی شروع گردید که تلفظ « پهلوی » را طوری ادا میکردند که آدم را دچار بدفهمی میکرد که در باره کی دارند حرف می زنند.. ولی جالب ترین بخش برنامه ، ظاهر شدن دو متخصص برجسته در این فیلم مستند بود که باعث علاقه مندی من به ادامه برنامه شد.. اولین متخصص ظهور آقای

مهرداد خوانساري بر صفحه تلویزیون ، يعني فرزند معاون سابق ارتشبد نصيري در ساواک و سر سفراي بعدي در اروپا بود. ميدانستم که ايشان در گشت و گذار با عيدي امين ، بوکسور و گروهبان رئيس جمهور شده در اوگاندا ، بهنگام گشت و گذار در فروشگاه هاي فردوسي و سپه در تهران تجربه ديپلماتيک زيادي به دست آورده اند. آقاي خوانساري و بحث د باره کودتاي ۲۸ مرداد ؟ اينهم بخش با مزه اي از اين مستند بود. ولي وقتي چشمم به آقاي فرخ نگهدار افتاد ، از شجاعت بي نظير ايشان چشمانم داشت از حذقه در مي آمد. مثل اين بود که يک معلم فقه را براي يک کنفرانس بين المللي در دانشگاه ام.آي.تي در آمريکا در باره فيزيک ذره اي دعوت کرده باشند. شجاعت آدم در اين جور جاهاست که خود را نشان مي دهد ! فکر کردم دارم برنامه فارسي بي بي سي را مي بينم .بالاخره بي بي سي فارسي يک کانال تلویزيوني سرگرمي «خودي» است و آقاي نگهدار از هر چند روز يک بار بعنوان يک «استند آپ کمدي» در آن ظاهر مي شوند و سر خر را در آخر بطرف اعلام بيعت با جمهوري اسلامي، کج مي کنند. وقتي تصوير خوش لباس آقاي نگهدار بر روي صفحه ظاهر مي شد ، زير نويسي در معرفي ايشان ديده مي شد :

فعال سياسي چپ تا ۱۹۸۵ ، که منظور زمان مهاجرت ايشان از شوروي به انگليس بوده که براي مصرف انگليسي زبانان بوده که مبادا خدای ناکرده برایش پاپوش بدوزند ، ولي از آن پس ديگر « چپه شده » و غائله تمام و جز «خط امام» که از روز اول مبلغ آن بوده ، به چيز ديگري باور ندارد. عکس يادگاري بابا و مامان و کوچولوني خود را در زمان کودتا بعنوان سند معتبر ارائه کرده بود و چند جمله را نيز به انگليسي که بنظر مي آمد از روي نوشته ميخواند ، ادا کرد. ولي چشم نوازترين قسمت حضور ايشان ، کت و جليقه و کروات ايشان بود و شلوارش مثل هميشه پنهان بود که بنظرم با ارزش تر از اطلاعات و يا عکس کودکی خود ايشان جلب نظر مي کرد. ديدن عکس کوچولوني آقاي نگهدار ، مرا هم به خاطرات دور و درازي برد و به خود گفتم من در آن زمان در کجاي تاريخ ايستاده بودم؟ يعني سه روزي که شاه هميشه فقيد ، بي آنکه خطري او را تهديد کند ، در رفته بود. من عکسي از آن زمين با با ومامانم نداشتم ، يعني در دهات کردستان آن زمان عکاس نبود که بعنوان يک سند تاريخي نشان دهم. ولي آن سه روز يادم هست. ما در ده بوديم و پدرم يک راديوي کهنه خريده بود و مدام گوشش به راديو بود. ما معني خبر ها را نمي فهميديم که کي به کيه . يکي مي گفت زنده باد دکتر محمد مصدق و دسته ديگري نعره مي زدند که زنده باد شاه! پدرم يک گروهبان و رئيس ژاندارمري در دهات اطراف مريوان بود و فوري آنتنش گرفت که هوا پس است. وقتي اعليحضرت در رفتند ، پدر بنده نيز ژاندارمري را رها کرده و در رفت. در يکي از آن دوسه روز ، حدود چهل پنجاه روستائي دم در اخانه اجاره اي ما جمع شدند و مي پرسيدند « پدريت » کجاست ؟ بعد از هممه اي گذاشتند و رفتند.توي اين سه روز ، ترس دهاتي ها از ژاندارم ها ريخته بود. احتمالا اگر او را گير مي آوردند ، انتقام خود از ملاکين را از او بعنوان حامي و ريزه خور آنها مي گرفتند. سه روز گذشت و ما از خانه در نيامديم. بعد از سه روز که سر و کله شاه هميشه فقيد پيدا شد، سر و کله پدر بنده نيز از وسط رودخانه خشک شده اي پيدا گرديد. پدرم مثل پينوکیو با هيکل مردني و لاغر خود سوار اسب سياه و بلند قامتي به همراه يک گرهبان سوم و چند ژاندارم به رديف مثل فاتح جنگ العلمين وارد ده شدند. دهاتي ها از ترس ميدان را فوري آب و جارو کرده و عکس شاه هميشه فقيد را روي ميزي گذاشته بودند. پدرم پشت ميز رفت و شروع به سخنراني کرد که من نفهميدم در باره چه بود. من در اين خواب و روي بودم که زرم دوباره نق زد که فهميدي آقاي نگهدار چي گفت ؟گفتم مگر نشنيدني ايشان پاسخ کوبنده اي دادند که انقلاب بهمين پاسخ مستقيمي بود به کودتاي ۲۸ مرداد! فقط تصادفا يادش

رفته بود که بگوید همان کسانی که در انقلاب بهمن جای سلطنت نشستند، در ۲۸ مرداد همدست کودتا علیه مصدق بودند و باز همانهایی که کودتای ۲۸ مرداد را سازمان داده بودند ، همانهایی بودند که در نشاندن خمینی بر سر قدرت و فرار شاه نقش داشتند. فقط جای آیت الله کاشانی و بهبهانی در همراهی با کودتا را این بار ، مرید وقتشان ، خمینی گرفته بود. بعضی از مستند ها ، ارزش چند بار دیدن را دارند و مستند دیشب یکی آنها بود. از همه اینها گذشته ،  
!جلیقه و کراوات نگهدار دیدنی ترین بخش برنامه بود

عمر مریوانی

خرداد ۱۳۹۹ ۲۶

منبع سایت آزادی بیان